

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مهران پیامی  
۱۸ جون ۲۰۲۲

## جنگ و نیروی کار ارزان

جنگ اوکراین به آوارگی نزدیک به ۴ میلیون نفر (آمارها مختلف هستند) انجامید که این فقط یکی از پیامدهای آن است. این جنگ خرابی های زیادی در تأسیسات نظامی، زیر ساختارها و خانه های مسکونی به جای گذاشته است و بسیاری از روابط اجتماعی را با دگرگونی های عمیقی روبرو کرده است. به طور مثال از بین ۴ میلیون نفری که کشور خود را ترک کرده اند؛ اکثریت آنها به کشورهای غربی و اقلیت آنها به روسیه رفتند. تا اینجا قضیه هیچ نکته جدیدی در رابطه با پیامدهای یک جنگ اتفاق نیفتاده است. اما با ورود پناهندگان اوکرائینی به غرب و برخورد کشورهای غربی به آنها؛ معلوم شد که تفاوت عظیمی در دیدگاه های امپریالیست های غربی نسبت به پناهندگان اوکرائینی و آسیائی و افریقائی وجود دارد. در حقیقت این پناهندگان اوکرائینی هستند که از بخشی از حقوق بین المللی پناهندگان برخوردار شدند. اما دیگر پناهندگانی که از جنگ در کشورهای خود فرار کرده اند ماهها در اردوگاهها در چادرها زیر باران های سیل آسا تا گرماهای جهنمی مجبور هستند بمانند؛ مورد تحقیر، تجاوز و سوء استفاده های گوناگون پولیس کشورهای اروپائی قرار بگیرند؛ از حقوق پناهندگی نه تنها برخوردار نشده بلکه آنها بارها مورد شلیک مستقیم قرار گرفته و یا به غرق شدن در ابحار دچار شدند و هزاران نفر به هلاکت رسیدند. کشورهایی که پناهندگان اوکرائینی را بدون هیچ قید و شرطی پذیرائی کردند، حاضر به رسیدگی به پرونده های چندین ساله پناهندگان دیگر کشورها نشدند. این برخورد دوگانه (استاندارد دوگانه) در همه زمینه ها از جمله پناهندگی به چه نتایجی می انجامد.

همانطور که می دانیم اخیراً کشورهای غربی و به ویژه بعد از شروع جنگ اوکراین سعی کردند که "متحداً" با امریکا موضوعی تهاجمی علیه کشورهای مخالف خود در پیش بگیرند. در حقیقت آنها با بهره گیری از تحریم شدید اقتصادی برخی کشورها از جمله روسیه، ایران، سودان، زیمبابوه و... جنگ اقتصادی را با روسیه به مثابه یکی از کشورهای پر قدرت اقتصادی که ابعاد بین المللی دارد شروع کرده اند. سرگرم کردن روسیه در جنگ اوکراین این امکان را به کشورهای امپریالیستی می دهد که بدون مانع سیاست جهان تک قطبی را جلو ببرند و در مرحله دوم چین را با رکود اقتصادی مواجه کنند. این طرح اقتصادی و سیاسی که مدتها درباره اش بحث می شود؛ امروز روی میز برنامه ریزان غرب است. این روند جدا از روند درگیری های شدید نظامی، جنگ های نیابتی، توطئه ها و جاسوسی در سطح شرکت های معظم اقتصادی و مالی به لحاظ انسانی باعث آوارگی بازهم بیشتر مردم کشورهای تحت سلطه و پیرامونی خواهد شد. در گذشته های نچندان دور؛ آوارگی معمولاً ناشی از جنگ به وجود می آمد. اما اینکه که اقتصاد هر چه

بیشتر بین‌المللی شده است، سرمایه‌داری کشورهای امپریالیستی بیشتر به نیروی کار ارزان احتیاج داشته و عمدتاً آن را از طریق سیستم پناهندگی تهیه می‌کنند. سیاست فوق دو تأثیر همزمان را از خود به جای می‌گذارد؛ واحدهای تولیدی که طبقه کارگر به صورت متشکل در آن کار می‌کند را از بین برده و جامعه را تابع تولیدات سرمایه‌های بزرگ بین‌المللی کرده و نیروی متشکل کارگری را از هم پاشیده و کارگران را از محیط کار و اجتماعی خود جدا کرده و در محیطی جدید، نیروی کار را به طور عمده در کارهای خدماتی و شرکت‌های کوچک بکار می‌گمارد. قبلاً برای سرمایه‌داری نیروی کاری که تحت عنوان پناهنده وارد کشور پناهنده پذیر می‌شد؛ سطح سواد و تخصص معیار اصلی برای پذیرش نیروی کار نبود. ولی با رشد تکنولوژی و آی‌تی؛ تخصص و سطح سواد متوسط به بالا و اضافه شدن برخی دیگر از معیارها پذیرش نیروی کار را سخت کرده است بویژه که برخی از کشورهای پناهنده پذیر خود دچار بحران اقتصادی هستند. در عین حال سخت‌تر کردن شرایط پناهندگی کشورهای فقیر را از نیروی متخصص خالی کرده و اجازه رشد اقتصادی به آنها نمی‌دهد آنهم به این دلیل که نیروی کار غیر متخصص معمولاً از فیلترهای نیروی کار برای گرفتن حق پناهندگی بسیار سخت‌تر گذر می‌کنند.

اوکراین در زمان اتحاد شوروی یکی از مراکز اصلی صنعتی و دانشگاهی بود. به همین دلیل از نیروی کار با سطح بالای دانش به روز شده برخوردار است. موقعیت جنگ موهبتی بود که کشورهای غربی این نیروی کار آماده را با کمال میل ولی تحت عنوان پناهنده و صد البته کمک‌های انسان دوستانه؛ بپذیرند. این پناهندگان مانند سیب‌های آماده‌ای هستند که در دامن میوه چین می‌افتند.

با توضیحات بالا می‌توان دریافت که سه دلیل عمده در پذیرش پناهندگان اوکرائینی به صورت کاملاً نابرابر با دیگر پناهندگان وجود دارد. اول کشاندن تمایلات سیاسی اوکراین به سوی غرب، دوم وجود پناهندگان متخصص بسیار بیشتر و نهایتاً، نژادپرستی بعلت سفید بودن آنها.

البته جایگزین و مستقر کردن چند میلیون نفر در اروپا بصورت همزمان بدون توافق و برنامه ریزی قبلی نمی‌توانست با امکانات رفاهی بالا؛ صورت بپذیرد. اما طولی نخواهد کشید که نسل اول پناهندگان اوکرائینی خواهند فهمید که “علی‌آباد هم شهر نیست” و آسمان هر جا روی همین رنگ است.

آنها بزودی با این واقعیت روبرو خواهند شد که در کشورهای جدیدشان قوانین نابرابری در حق شان روا می‌شود؛ از دستمزد کمتری برخوردار هستند، بطور دائم بایستی به دنبال کار بگردند؛ کارفرما سعی می‌کند که آنها را به کارهای پست‌تر و دستمزدهایشان را با پول‌های سیاه پرداخت می‌کند؛ قادر به زندگی مدل ایده‌آل و رویایی که در تبلیغات مدیاهای غربی نشان میدهند؛ نیستند. دارای بحران‌های خانوادگی بیشتری خواهند شد؛ از جامعه جدید بصورت وسیعی بیگانه هستند و پذیرش‌شان به عنوان شهروند جامعه جدید فقط یک پاسپورت نخواهد بود.

اما وضعیت پناهندگان جهان یا بهتر است بگوئیم نیروی کار ارزان از زمان جنگ سرد به یک سنت بهره کشی از پناهنده به عنوان نیروی کار ارزان در کشور خود علاوه بر استفاده از کارگران کشورهای پیرامونی؛ تبدیل شده است. سیال شدن نیروی کار یعنی کارگران؛ در ابعاد وسیع جهانی امکان خالی کردن نیروی متخصص و ماهر را از کشورهای فقیر به سوی کشورهای ثروتمند سهل الوصول کرده و با این کار اقتصاد کشورها را به ویرانی و وابستگی کامل می‌کشاند. گذشته از آن پرتاب بخشی از نیروی طبقه کارگر از محل کار و زندگی؛ قدرت طبقه کارگر در سازماندهی را کاهش داده و اجازه نمی‌دهد که چالش‌های طبقاتی بصورت طبیعی آن در جوامع جریان بیابد.

آخرین آمارهای جهان تعداد پناهندگان جهان را ۸۴ میلیون نفر اعلام کرده است که با آمارهای واقعی بسیار متفاوت است. تعداد آنها بر اساس تعداد جمعیت و سطح رشد اقتصادی و ثبات سیاسی متغیر است. با هم نگاهی به آمار پناهندگان جهان ببینیم تا ابعاد فاجعه نیروی کار سیال کارگری جهان را بهتر دریابیم

تعداد پناهندگان جهان قبل از جنگ اوکراین بر طبق آمار سازمان ملل سال ۲۰۲۰ میلادی ۸۰ میلیون نفر بود. در آن سال چندین بار در اردوگاه‌های پناهندگان آتش سوزی عمدی و غیر عمدی اتفاق افتاد که به مرگ دهها تن منجر شد.

\*این تعداد در ده سال گذشته ۱۴ میلیون نفر افزایش را نشان می‌دهد. آنهم در شرایطی که سالیانه بسیاری از پناهندگان با مستقر شدن در کشورهای جدید از تعدادشان باید کم می‌شد.

\*سرمایه‌داری برای مقابله با بحران و جلوگیری از افت درصد سود؛ احتیاج به کاهش نیروی کار ارزان و جوان با بهره‌گیری از تکنولوژی و کاهش دستمزدها دارد. تکنولوژی و نیروی کار سیال و ارزان به عنوان پناهندگان جهان به هر دوی این احتیاج سرمایه‌داری در امر رقابت و بحران جواب داده است.

بهررو یکی از پی‌آمدهای سرمایه‌داری سیر حرکتی نیروی کار ارزان از کشورهای پیرامونی به سوی کشورهای متروپل سرمایه‌داری است. برعکس کسانی که رشد جمعیت را مانعی برای رشد جوامع و آلودگی محیط زیست می‌دانند؛ سرمایه‌داری امپریالیستی بدون توجه به موانع از جمله آلودگی محیط زیست بدون وقفه به رشد جمعیت که رشد نیروی کار و تجمع سرمایه را به دنبال می‌آورد (فقیر شدن جامعه هیچ مغایرتی با شاخص‌های سود را نشان نمی‌دهد) ادامه می‌دهد. اینک جنگ اوکراین بخشی از طبقه کارگر جهان همچون عراق و افغانستان را دچار سرکوب و آوارگی کرده است. آوارگی و در هم شکسته شدن جامعه اوکراین که می‌توان گفت با حمله نازیست‌ها به اتحادیه‌های کارگری و کشتن دهها نفر و ممنوعیت حزب کمونیست در ۲۰۱۴ و حوادث میدان شروع شد؛ باعث بدتر شدن مبارزات طبقه کارگر شده است. از یک سو جامعه‌ای در حال جنگ و ویرانی‌های گسترده و از سوی دیگر حکومتی فاشیستی؛ بدون راه حل برون رفت. جامعه اوکراین یکی از مشکلاتی را که بعد از جنگ در پیش پای خود دارد، بازگشت پناهندگان به کشور و بازسازی سازمان‌های کارگری از جمله احزاب و اتحادیه‌های کارگری آن است. بدون تقویت حضور پر قدرت جنبش کارگری در جهان کنونی هیچگونه تحولی حتی با بزرگترین فداکاری‌های توده‌ها، لزوماً نه مترقی و نه منجر به رهایی بشریت از ستم و استثمار خواهد شد. این وظیفه تنها در سوسیالیسم قابل تحقق خواهد بود.

مهران پیمایی

۱۴۰۱ ه.ش

حزب رنجبران ایران ۰۲ جون ۲۰۲۲